



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی مدل آموزشی فرایند یادگیری خودمحور برای دانش آموزان مقطع ابتدایی

مریم اسلمی^۱، مهسا سیفی روشتی^۲، سیده زهرا حسینی جابری^۳، آمنه الهیاری^۴

۱- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر شیراز

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس نسیمیه تهران

۳- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر شیراز

۴- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر شیراز

mrymaslmy90@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل آموزشی فرایند یادگیری خودمحور برای دانش آموزان مقطع ابتدایی انجام شد. در مدلی تدریس یادگیرنده محور، یادگیرندگان باید به عنوان بازیگر اصلی فرایند یادگیری در نظر گرفته شوند و در فرایند یادگیری خود مشارکت کنند. اصطلاح یادگیری یادگیرنده محور به طیف گسترده‌ای از برنامه‌های آموزشی، تجربیات یادگیری، مدل‌های آموزشی و استراتژی‌های حمایتی اشاره دارد که برای رفع نیازهای یادگیری، علایق، آرزوها یا زمینه‌های فرهنگی جداگانه گروه‌های مختلف یادگیرندگان در نظر گرفته شده است. یادگیری یادگیرنده محور، تغییر قابل توجهی از مدل‌های سنتی در آموزش و پرورش ایجاد می‌کند. با این حال، مدل آموزشی یادگیرنده محور بر مشارکت آموزگاران در ایجاد یک محیط یادگیری برتر برای همه افراد درگیر تمرکز دارد. به طور کلی نتایج استفاده از مدل آموزشی یادگیرنده محور نشان می‌دهد که این مدل توانسته است مزایای بسیاری برای یادگیرندگان و حتی آموزگاران نیز دارد. این مدل در سال‌های استفاده و تدریس خود، مزایایی را به همراه داشته است. مزایایی که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد

واژگان کلیدی: فرایند یادگیری، دانش آموزان، ابتدایی، تدریس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

در دهه‌های اخیر، روش‌های آموزش و یادگیری در حوزه آموزش و پرورش تحولات بسیاری را تجربه کرده‌اند. یکی از این روش‌ها که به‌طور گسترده در محیط‌های آموزشی استفاده می‌شود، روش آموزش یادگیرنده محور می‌باشد. در این رویکرد، یادگیرنده به‌عنوان مرکز و محور فعالیت‌ها و فرآیند یادگیری قرار می‌گیرد و فرآیند آموزش بر اساس نیازها و علایق او شکل می‌گیرد. در این روش، یادگیرنده به دنبال کشف، تجربه و ساختگرایی در فرآیند یادگیری خود می‌باشد (عابدی و همکاران، ۱۳۹۹).

با پیشرفت فناوری و اطلاعات در عصر حاضر، نیاز به آموزش و یادگیری برای توسعه فردی و اجتماعی بیشتر شده است. در عین حال، روش‌های سنتی تدریس که بیشتر بر پخش محتوا و تکرار مفاهیم تأکید دارند، با نیازهای جدید و تغییرات سریع در جامعه هماهنگ نیستند. به همین دلیل، مدل‌های جدید تدریسی که بر اساس یادگیری محور و توجه به نیازهای یادگیرندگان بنا شده‌اند، به دنبال شناخت بهتر و فراگیری بهتر از طریق بهره‌گیری از فناوری و اطلاعات هستند. یکی از این مدل‌های تدریس، مدلی تدریس یادگیرنده محور است. در این مدل، توجه به نیازها و علایق یادگیرندگان و همچنین بهره‌گیری از فرآیندهای شناختی ذهنی و تعاملات اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در مدلی تدریس یادگیرنده محور، یادگیرندگان باید به‌عنوان بازیگر اصلی فرآیند یادگیری در نظر گرفته شوند و در فرآیند یادگیری خود مشارکت کنند. بنابراین، هدف این مقاله بررسی مدل‌های تدریس یادگیرنده محور و تأثیر آن بر فرآیند یادگیری است. تدریس یادگیرنده محور به‌عنوان یک رویکرد آموزشی مبتنی بر نیازها و خصوصیات یادگیرندگان، در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این رویکرد تأکید دارد که فرآیند یادگیری باید با توجه به نیازها، تجارب و قابلیت‌های فردی یادگیرندگان صورت بگیرد و از روش‌های فعال و تعاملی استفاده کند. این مقاله به بررسی مدل‌های تدریس یادگیرنده محور و تأثیر آن بر فرآیند یادگیری می‌پردازد. در این مقاله، ابتدا مدل‌های مختلف تدریس یادگیرنده محور مورد بررسی قرار می‌گیرند. این مدل‌ها شامل مواردی مانند تدریس مبتنی بر مسئله، تدریس معکوس، تدریس گروهی، تدریس مبتنی بر پروژه و تدریس مبتنی بر بازی‌ها و شبیه‌سازی‌ها است. سپس، تأثیر این مدل‌ها بر فرآیند یادگیری مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعات و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که استفاده از مدل‌های تدریس یادگیرنده محور می‌تواند بهبود قابل توجهی در فرآیند یادگیری یادگیرندگان ایجاد کند. این مدل‌ها باعث فعالیت و تعامل فعالانه یادگیرندگان، افزایش تمرکز و توجه، تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت و ارتقای مهارت‌های اجتماعی و همکاری می‌شوند (نادری و همکاران، ۱۳۹۹).

امروزه با توجه به پیشرفت فناوری و اطلاعات، نیاز به آموزش و یادگیری نیز بیشتر شده است. در عین حال، روش‌های قدیمی و سنتی تدریس به‌تنهایی قادر به پاسخگویی به این نیازها نیستند. بنابراین، مدل‌های جدید تدریسی که بر اساس یادگیری محور و توجه به نیازهای یادگیرندگان بنا شده‌اند، به دنبال شناخت بهتر و فراگیری بهتر از طریق بهره‌گیری از فناوری و اطلاعات هستند. مدلی یادگیرنده محور، ابعاد مختلفی دارد و به دسته‌بندی‌های مختلفی تقسیم می‌شود. مدل‌های بسیاری زیرمجموعه مدل یادگیرنده محور هستند. در این مقاله قصد داریم تا درباره مدل کلی یادگیرنده محور و مزایای آن صحبتی را داشته باشیم. از انواع آن به‌اختصار یاد کنیم و از دلایل جایگزین شدن این مدل به‌جای مدل آموزگار محور، نکاتی را بیان کنیم (Zhang et al., ۲۰۲۰).

اصطلاح یادگیری یادگیرنده محور به طیف گسترده‌ای از برنامه‌های آموزشی، تجربیات یادگیری، مدل‌های آموزشی و استراتژی‌های حمایتی اشاره دارد که برای رفع نیازهای یادگیری، علایق، آرزوها یا زمینه‌های فرهنگی جداگانه گروه‌های مختلف یادگیرندگان در نظر گرفته شده است. برای دستیابی به این هدف، مدارس، آموزگاران، مشاوران راهنمایی و سایر متخصصان آموزشی ممکن است انواع مختلفی از روش‌های آموزشی را به‌کارگیرند، از تغییر تکالیف و استراتژی‌های آموزشی در کلاس درس تا طراحی مجدد روش‌های گروه‌بندی و آموزش یادگیرندگان در یک مدرسه. (Grant and Basye, ۲۰۱۴).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مدل آموزشی یادگیرنده محور، در پاسخ به تصمیمات آموزشی که به طور کامل به آنچه یادگیرندگان باید بدانند، یا چه روش‌هایی در تسهیل یادگیری برای تک تک یادگیرندگان یا گروهی از یادگیرندگان مؤثرتر است، به وجود آمد. بسیاری از مدل‌های سنتی برای مدرسه را می‌توان مدرسه محور یا آموزگار محور در نظر گرفت زیرا مدارس اغلب به گونه‌ای سازمان‌دهی و مدیریت می‌شوند که برای عملکردهای سازمانی خوب عمل می‌کند اما ممکن است مؤثرترین روش‌های آموزش را منعکس نکند. برای مثال، اگر همه یادگیرندگان در کلاس‌های درس زیر نظر آموزگاران آموزش ببینند، از نظر سازمانی و اداری بسیار قابل کنترل‌تر است. در صورتی که آموزش با منابع و کتاب‌های درسی تعیین شده به پیش رود، این کنترل بیشتر نیز می‌شود. حامیان مدل آموزشی یادگیرنده محور می‌خواهند بسیاری از تمایلات سازمانی یا آموزشی رایج در مدارس را باهدف اصلی یادگیری یادگیرندگان به چالش بکشند و تغییر دهند. همه ملاحظاتی که به نحوی یادگیری یادگیرندگان را بهبود نمی‌بخشد و تسهیل نمی‌کند، در درجه دوم و پایین قرار خواهند گرفت. در واقع منطق اساسی در این موضوع این است که مدارس باید به منظور افزایش یادگیری یادگیرندگان طراحی شوند، نه افزایش کار آبی سازمان.

برنامه‌های آموزشی مدل یادگیرنده محور

برای آنکه به وجود آمدن نظریه آموزش و پرورش شاگرد محور را به خوبی درک کنیم باید ابتدا آن را در بستر تاریخی خود بررسی کنیم. نیمه اول قرن بیستم، بدون شک متعلق به رفتارگرایی بود. این نظریه روان‌شناختی که توسط نظریه پردازانی چون جان واتسون، بی‌اف اسکینر و دیگران حمایت می‌شد، دیدگاهی مکانیکی و ماشینی نسبت به آموزش انسان داشتند. رفتارگرایان، مدل روان‌شناسانه خود را بر فلسفه جان لاک انگلیسی بنیان گذاشته بودند که ذهن انسان را لوحه‌ای سفید می‌دانست که فطرت نقشی در آن ندارد و زندگی اجتماعی خطوطی را بر آن لوحه نقش می‌زند که شخصیت و روش و منش انسانی را تعیین می‌کند. به این ترتیب رفتارگرایی، مدعی بود که می‌تواند افراد جامعه را تنها از طریق آموزش رفتارهای مناسب، به جامعه‌ای ایدئال و بدون کم و کاستی تبدیل کند زیرا اگر محیط زندگی انسان و عوامل بیرونی رفتار را بتوان کنترل کرد، پس می‌توان هر خروجی مورد نظری را هم انتظار داشت (عابدی و همکاران، ۱۳۹۹).

اوج‌گیری رفتارگرایی و اقبال شدید روان‌شناسان و متولیان آموزشی به چنین مدل مکانیکی به آموزش، منجر به کنار گذاشتن بسیاری از دیدگاه‌های گذشته در مورد اصالت دانش و نقش فطرت و ذهن انسان در یادگیری شد. چراکه در این دیدگاه، یادگیری چیزی جز توالی رابطه محرک و پاسخ و شرطی شدن ذهن توسط تکرار رابطه بین علت و معلول یا به عبارت صحیح‌تر محرک و پاسخ نبود. همان‌طور که مشخص است این دیدگاه تنها بر آنچه قابل مشاهده و اندازه‌گیری است مبتنی شده بود بنابراین در این تئوری تنها رفتار یا برون‌داد قابل مشاهده و سنجش می‌توانست یادگیری را مورد ارزیابی قرار دهد. یا به قول رفتارگرایان: "یادگیری تغییر رفتار است" (Huang et all., ۲۰۱۲).

دیدگاه‌های کاهش رفتارگرایان، رفته‌رفته موجب واکنش عده‌ای دیگر از روان‌شناسان شد که از نظرگاه به شدت مادی‌گرا و مکانیکی رفتارگرایی وحشت‌زده شده بودند. ابتدا روان‌شناسان آلمانی با مطرح کردن روانشناسی گشتالت، در برابر موج سهمگین رفتارگرایی ایستادند. گشتالتی‌ها روان‌شناسانی کل‌گرا بودند که به شدت با جزئی‌نگری رفتارگرایی مخالفت می‌کردند و معتقد به یادگیری از نوع بینش و درک کل بودند.

روان‌شناسان دیگری نیز به عنوان مدافعین روان‌شناسی شناختی، بار دیگر مفاهیم مطرود شده‌ای مثل ذهن، یادگیری، تفکر، دانستن، و آموختن را وارد مباحث آموزشی کردند. روان‌شناسان شناختی، بر فرایندهای ذهنی و عقلی بیش از نمودهای بیرونی رفتار متمرکز بودند و عقیده داشتند ذهن انسان در مرکز جهان قرار دارد. این ساختارها و ارتباطات ذهنی است که به رفتار انسان معنا و مفهوم می‌بخشد و حتی اگر یادگیری نمادی بیرونی هم نداشته باشد، باید تغییر را در عمق ذهن، باور و تفکر انسان جستجو کرد (نادری و همکاران، ۱۳۹۹).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به‌زودی در بین روان‌شناسان شناختی نیز مدلی نوین به نام روان‌شناسی تحولی با نظریات ژان پیاژه (۱۸۹۶-۱۹۸۰) آغاز شد. ژان پیاژه که بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های آموزشی و روانشناسی کودک در تاریخ است، به نقش رشد و تکامل انسان در یادگیری توجه کرد. او روند تکامل ذهن در انسان را به چهار دوره تقسیم کرد که از اندیشه عینی تا انتزاعی، هر کودک انسان، باید از این مراحل بگذرد تا قوای تحلیل و قضاوت ذهنی او به اعلا درجه برسد (Grant and Basye, ۲۰۱۴).

همزمان با پیاژه افراد دیگری هم در جای‌جای جهان با استناد به تحقیقات پیاژه، شروع به نظریه‌پردازی در حوزه آموزش بر اساس روانشناسی شناختی کردند یعنی مدلی را وارد آموزش کردند که مبتنی بر پرورش ذهن انسان بود. یکی از این افراد پزشکی ایتالیایی به نام ماریا مونته‌سوری (۱۸۷۰-۱۹۵۲) بود که نظریات پیشروی خود را در زمینه آموزش با تأسیس مدارس برای کودکان فقیر در مناطق محروم مورد آزمایش عملی قرار می‌داد. ماریا مونته‌سوری نگاهی کل‌نگر به انسان داشت و معتقد بود آموزش و پرورش باید به‌صورت همه‌جانبه بر تربیت قوای انسانی در همه زمینه‌ها متمرکز باشد و البته با توجه به درجات تکامل و رشد کودک، برنامه‌های آموزشی خود را تنظیم و سازمان‌دهی کند. بی‌شک مونته‌سوری یکی از پایه‌گذاران نظریه آموزش و پرورش شاگردمحور بوده و هست (Huang et al., ۲۰۱۲).

نحوه شکل‌گیری مدل آموزشی یادگیرنده محور

مدل آموزشی یادگیرنده محور، در پاسخ به تصمیمات آموزشی به وجود آمد که به‌طور کامل به آنچه یادگیرندگان باید بدانند، یا چه روش‌هایی در تسهیل یادگیری برای تک‌تک یادگیرندگان یا گروهی از یادگیرندگان مؤثرتر است، به وجود آمد. قدمت مدل‌های آموزشی یادگیرنده محور به دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد. مربیان آمریکایی در آن دوران از واژه‌های آموزگار محور و یادگیرنده محور، برای توصیف دو مدل متمایز در آموزش استفاده می‌کردند. مدل آموزگار محور معمولاً به موقعیت‌های یادگیری اشاره می‌کند که در آن‌ها آموزگار بر مطالبی که یادگیرندگان مطالعه می‌کنند و روش‌های مطالعه آن، یعنی زمان، کجا، چگونه و با چه سرعتی، آن را کنترل می‌کند. در کلاس‌هایی که آموزگار محور تلقی می‌شود، آموزگار تمایل دارد که فعال‌ترین فرد در اتاق باشد و بیشتر صحبت می‌کند. محققان و مورخان دریافته‌اند که مدل آموزشی آموزگار محور بیش از یک قرن است که حالت غالب در مدارس دنیا بوده است و شواهد نشان می‌دهد که تنها بخش کوچکی از محیط‌های آموزشی در مدارس دنیا با مدل آموزشی یادگیرنده محور آشنا هستند. با این اوصاف، برخی از جنبه‌های مدل آموزشی یادگیرنده محور مانند چیدمان میزها در حلقه‌ها یا گروه‌های کوچک و تکالیفی که به یادگیرندگان اجازه می‌دهد مطالب خواندن خود را انتخاب کنند، به‌طور گسترده توسط آموزگاران پذیرفته‌شده است. در بسیاری از موارد، محیط آموزشی معمولی در مدارس دولتی ترکیبی از مدل‌های آموزگار محور و یادگیرنده محور است (Zhang et al., ۲۰۲۰).

ویژگی‌های اصلی مدل آموزشی یادگیرنده محور

مدل آموزشی یادگیرنده محور نیز مانند تمام مدل‌های آموزشی دیگر، ویژگی‌های خاص و مخصوصی دارد. ویژگی‌هایی که سبب تفاوت این مدل‌ها با مدل آموزگار محور شده است. به همین دلیل لازم است تا درباره این ویژگی‌ها اطلاعاتی را داشته باشیم. در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره خواهیم کرد (Pane et al., ۲۰۱۵):

- شخصی بودن یادگیری و آموزش بر اساس علایق و آرزوهای یادگیرندگان
- انعطاف‌پذیری برای یادگیری در زمان و مکان
- اجازه انتخاب برای یادگیرندگان
- یادگیری مبتنی بر شایستگی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- حمایت یادگیرندگان از یکدیگر
- یادگرفتن مشارکت و کارگروهی
- ایجاد تفکر انتقادی و حل مسئله در کودکان.
- درگیری بیشتر یادگیرندگان با محورهای اصلی دروس

حرکت به سمت افزایش تصمیم‌گیری یادگیرندگان می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد. باین‌حال، همه برنامه‌های مدل آموزشی یادگیرنده محور، بر استفاده از ارزیابی‌های دقیق برای سنجش عملکرد یادگیرندگان از طریق مشارکت آموزگاران و یادگیرندگان در فرایند ارزیابی تأکید دارند. یادگیری یادگیرنده محور انعطاف‌پذیری بیشتری را برای کار در گروه‌های کوچک یا یادگیری از راه دور فراهم می‌کند. انعطاف‌پذیری مدل آموزشی یادگیرنده محور با توجه به سازگاری مدارس با همه‌گیری ویروس کرونا و تغییر آن به سمت آموزش از راه دور بسیار مهم است. امروزه مربیان باید راه‌هایی را برای به‌کارگیری یادگیری یادگیرنده محور به‌صورت مجازی بیابند. درحالی‌که ایجاد تجربیات یادگیری از راه دور می‌تواند یک کار دله‌ره‌آور باشد، ما می‌دانیم که کلاس‌های از راه دور را می‌توان طوری طراحی کرد که یادگیری یادگیرنده محور را با شیوه‌های بسیار مؤثری ترکیب کند (Grant and Basye, ۲۰۱۴).

نقش آموزگاران در مدل آموزشی یادگیرنده محور

یادگیری یادگیرنده محور، تغییر قابل‌توجهی از مدل‌های سنتی در آموزش و پرورش ایجاد می‌کند. باین‌حال، مدل آموزشی یادگیرنده محور بر مشارکت آموزگاران در ایجاد یک محیط یادگیری برتر برای همه افراد درگیر تمرکز دارد. پس از قرار گرفتن آموزگاران در معرض مدل آموزشی آموزگار محور، بسیاری از آموزگاران شرکت‌کننده احساس کردند این مدل جدید دقیقاً با باورهای موجود آن‌ها در مورد نقش خود به‌عنوان مربیان متناسب است. برای بقیه تطبیق هویت خود به‌عنوان آموزگار با مدل یادگیرنده محور مشکل‌تر بودند. باین‌حال، آموزگاران هر دو گروه سرانجام دریافتند که مدل یادگیرنده محور به آن‌ها کمک می‌کند آموزگاران شوند که همیشه می‌خواستند. برنامه درسی مدارس با مدل آموزشی یادگیرنده محور برنامه درسی مدارس همچنان نقش اصلی را در مدل آموزشی یادگیرنده محور ایفا می‌کند (Zhang et al., ۲۰۲۰).

درست مانند مدل سنتی و آموزگار محور، از برنامه‌های درسی برای کمک به ارتباط علایق یادگیرندگان با مهارت‌هایی که آن‌ها را برای ورود به دانشگاه و مشاغل موردنظرشان آماده می‌کند، استفاده می‌شود. این مدل به محیط یادگیری کم‌چالش‌تری منجر نمی‌شود. این فقط موضوعات چالش برانگیز مدرسه را مستقیماً با علاقه‌های یادگیرندگان در دنیای واقعی پیوند می‌دهد. محیط‌های مشارکتی در مدرسی که از مدل آموزشی یادگیرنده محور استفاده می‌کنند، اغلب منجر به یک برنامه درسی می‌شود که حول پروژه‌های گروهی می‌چرخد. این محیط‌ها همچنین یادگیری بین رشته‌ای را تقویت می‌کنند زیرا یادگیرندگان به دنبال علایق خود، ممکن است با علایق جدیدی نیز رویه‌رو شوند. یادگیری بین رشته‌ای نیز اغلب منجر به مشارکت عمیق‌تر، تفکر و توانایی حل مسئله یادگیرندگان می‌شود. این مدل احتمال اینکه یادگیرندگان دبیرستانی در دوره‌های خود سخت کار کنند را افزایش می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند تا روی موضوعاتی تمرکز کنند که بعداً می‌توانند در دانشگاه و مقاطع بعدی از آن استفاده کنند. مدل آموزشی یادگیرنده محور بر مشارکت آموزگاران در ایجاد یک محیط یادگیری برتر برای همه افراد درگیر تمرکز دارد (Martinez, ۲۰۰۱).

اهداف مدل آموزشی یادگیرنده محور

محیط‌های یادگیری یادگیرنده محور از آموزش برای تسهیل یادگیری یادگیرنده استفاده می‌کنند. آموزگاران، یادگیرندگان را به سمت مشارکت معنی‌دار با مطالبی که اعضای کلاس خود انتخاب کرده‌اند، راهنمایی می‌کنند (Powell et al., ۲۰۰۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- کمک به یادگیرندگان برای سازگاری با محیط یادگیری جدید و متفاوت
- کمک به یادگیرندگان برای فهم یادگیری موفق
- فرصت دادن به یادگیرنده برای بیان ایده‌های خود
- همکاری یادگیرنده در تعیین اهداف کلاس
- کمک به یادگیرنده برای تعیین اهداف کلاس و مسیر آموزشی
- مشخص کردن نحوه رسیدن به اهداف یادگیرنده و کمک به او
- دادن فضای کافی به یادگیرنده برای یاد گرفتن اشتباهات خود
- ایجاد فضا برای یاد گرفتن مهارت تفکر انتقادی در یادگیرنده
- استفاده از یادگیرنده به عنوان حامی در فرایند یادگیری
- نشان دادن تکنیک‌های خاص به یادگیرندگان برای دسترسی به اطلاعات مورد علاقه آن‌ها
- استفاده از یادگیرنده برای رسیدن به یادگیری
- محیط‌های یادگیری یادگیرنده محور از آموزش برای تسهیل یادگیری یادگیرنده استفاده می‌کنند (Pane et al., ۲۰۱۵).

ویژگی کلاس‌های یادگیرنده محور

- یادگیرندگان و آموزگار به یک اندازه کار می‌کنند.
- در کلاس‌های معمولی و سنتی، آموزگار همه کارها را به عهده دارد، سؤال پرسیدن، اضافه کردن توضیحات به پاسخ‌ها، مثال زدن، آماده کردن ذهن یادگیرندگان برای شروع درس، مرور کردن و ... اما در کلاس یادگیرنده محور، برخی از این وظایف به عهده یادگیرنده است.
- یادگیرندگان از هم کلاسی‌ها یاد می‌گیرند.
- یادگیرندگان با هم و از هم یاد می‌گیرند. البته آموزگار هم دانش کافی را دارد و مهارت‌ها و دانش خود را در اختیار یادگیرندگان قرار می‌دهد.
- یادگیرندگان درگیر فعالیت‌ها و یادگیری فعال هستند.
- آموزگار کنجکاوی یادگیرنده را برانگیخته و به آنها فرصت می‌دهد پاسخ سؤال‌های خودشان را پیدا کنند.
- یادگیرندگان آموخته‌های خود را در زندگی واقعی استفاده می‌کنند.
- تمرکز این روش تدریس فعال بر مهارت‌هایی است که در زندگی واقعی استفاده می‌شوند. در این صورت یادگیرندگان انگیزه کافی برای شرکت در فعالیت‌ها و یادگیری بیشتر را دارند.
- یادگیرندگان به موقع بازخوردهای مناسب می‌گیرند.
- یکی دیگر از ویژگی‌های کلاس یادگیرنده محور این است که بعد از انجام فعالیت‌های مختلف در کلاس، نتایج در گروه‌ها به بحث گذاشته می‌شود تا یادگیرندگان نتایج را با هم مقایسه کرده و نظر بدهند.
- یادگیرندگان در تدریس نقش دارند.
- اگر یادگیرندگان به اندازه کافی خلاق باشند، خودشان روش شروع کلاس یا یک موضوع خاص را پیشنهاد می‌دهند. معرفی موضوع درس بعهد آموزگار تنها نیست.
- یادگیرندگان با هم ارتباط زیادی دارند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- این روش تدریس فعال باعث می‌شود یادگیرندگان موضوع درس را معرفی کرده، با هم کار کنند و به هم فیدبک بدهند. در نتیجه به مقدار زیادی با هم در ارتباط هستند. در این نوع کلاس، آموزگار بطور کامل توضیح می‌دهد که در آخر کلاس از یادگیرندگان انتظار دارد چه چیزی را یاد گرفته باشند. بنابراین همه می‌دانند هدف کلاس و چیست.
- یادگیرندگان از تکنولوژی استفاده می‌کنند.
- یادگیرندگان برای انجام فعالیت‌ها و پروژه‌های خود از تکنولوژی به ویژه گوشی‌های موبایل استفاده می‌کنند. استفاده از تکنولوژی می‌تواند یک انگیزه قوی برای زبان آموزان خصوصاً نوجوانان باشد. به علاوه یکی از ارزان‌ترین و سریع‌ترین راه‌های یادگیری استفاده از اینترنت است.
- یادگیرندگان بیشتر از هر کلاسی مشغول یادگیری هستند.
- یادگیرندگان در این روش تدریس فعال، در کلاس راه می‌روند و با هم‌کلاسی‌ها صحبت می‌کنند، در گروه‌ها با هم بحث و تبادل نظر می‌کنند و پروژه‌ها و فعالیت‌های کلاسی را با دوستان خود انجام می‌دهند. پس زمان زیادی از کلاس را صرف تعامل با دیگران می‌کنند. از آنجایی که مهارت شنیداری یکی از بخش‌های مهم یادگیری زبان است، یادگیرندگان با گوش دادن به همدیگر، می‌توانند این مهارت را به خوبی تقویت کنند (Martinez, ۲۰۰۱).

انواع مدل‌های آموزشی یادگیرنده محور

مدل‌های یادگیرنده محور، در انواع و اقسام مختلفی دسته بندی می‌شوند. این مدلها به صورت کلی همه زیر مجموعه‌ای از مدل‌های یادگیرنده هستند. زیرمجموعه‌ای که همگی ویژگی‌های مشترک یادگیرنده محور بودن را دارند اما تفاوت‌هایی جزئی نیز دارند. به همین دلیل این مدلها تفکیک شده‌اند. برخی از این مدلها عبارت‌اند از (Shemshack and Spector, ۲۰۲۰):

- مدل یادگیری مبتنی بر پروژه
- مدل مونته سوری
- مدل آموزشی مبتنی بر پرس‌وجو
- مدل آموزشی یادگیری مشارکتی
- مدل آموزشی شخصی
- مدل آموزشی یادگیری فضایی
- مدل آموزشی بازی گونه سازی
- ورق خوردن کلاس درس
- مدل آموزشی والدورف
- روش آموزشی اسکوپ
- مدل آموزشی رگیو امیلیا

مزیت‌های نظام آموزشی یادگیرنده محور

در سیستم آموزشی یادگیرنده محور بیشترین تمرکز روی نیازهای تک تک یادگیرندگان است. در این مدل آموزشی آموزگار باید نخست زمینه آموزشی منحصر به فرد هر یک از یادگیرندگان را درک کرده و پیشرفت یادگیرنده را در جهت اهداف آموزشی خاص ارزیابی کند. هدف مدل آموزشی یادگیرنده محور ایجاد محیطی انعطاف پذیر و فردی برای یادگیرندگان است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱. نقش آموزگار تغییر می‌کند: دیگر آموزگار آن شخصیتی نیست که در مقابل یادگیرندگان بایستد و دانش را به آنها انتقال دهد. در این سیستم آموزشی آموزگار همانند یک معمار آموزشی عمل می‌کند که فرایند آموزش را تسهیل می‌کند.
۲. یادگیرندگان مسئول آموزش خویش می‌شوند: آموزگار و یادگیرنده با هم همکاری می‌کنند و از گذر همین همکاری درباره فعالیت‌های ترم و مدل ارزیابی آن تصمیم می‌گیرند. وظیفه یادگیرنده این است که به تصمیماتی که توسط خود او و آموزگار گرفته شده است، پایبند باشد و آنها را تا مقصد نهایی دنبال کند.
۳. کلاس درس یادگیرنده محور به جای محتوا روی پروسه‌های یادگیری مرکزیت دارد: این‌ها مهارت‌های فرا شناختی هستند که یادگیرنده می‌تواند آنها را در هر سناریوی آموزشی به کار بندد. یادگیرندگان در محیط‌های آموزشی جدید احتمال یادگیری بالاتری را دارند.
۴. یادگیرنده دیگر ظرف منفعلی نیست که آموزگار آن را با دانش پر کند، بلکه بخش فعالی از فرایند آموزشی را تشکیل می‌دهد و ممکن است حتی در تدریس هم‌کلاسی‌های خویش همکاری داشته باشد.
۵. کلاس درس یادگیرنده محور روی مهارت‌های فکری منظم‌تر تاکید دارد همچون توانایی قضاوت و یا ارزیابی. یادگیرندگانی که این مهارت‌ها را به‌طور کامل فرا می‌گیرند اطلاعات جدید را بهتر و سریع‌تر دریافت کرده و در شرایط مختلف به کار می‌بندند.
۶. علاوه بر ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی قوی در خود این گونه یادگیرندگان مهارت‌های یادگیری و خودآگاهی را در خود پرورش می‌دهند. از آنجایی که آنها باید در کنار آموزگاران خویش در تصمیم‌گیری شرکت کنند باید توجه بالایی داشته باشند که چگونه و از چه راهی بهتر یاد می‌گیرند، نقاط قوت و ضعف خود را ارزیابی کنند و براساس آن پیش روند.
۷. یادگیرندگان مهارت‌های حمایت از خود را یاد می‌گیرند. آن‌ها باید نیازهای خود را به‌طور منظم بیان و اظهار کنند. این بدان معناست که آنها نه تنها در بیان خود پیشرفت می‌کنند بلکه یاد می‌گیرند که به صورت مناسب و مؤثر با طیف وسیعی از مردم ارتباط برقرار کنند، از قشر یادگیرنده گرفته تا آموزگار.
۸. یادگیرندگان دلسرد و بی‌میل برای شرکت در آموزش خویش انگیزه بیشتری را دارند، زیرا سهم آنها در این فرایند کاملاً مشخص است. این گونه یادگیرندگان می‌توانند در مسیر آموزشی قرار گیرند که برای آنها جالب و ثمربخش است و در نتیجه برای یادگیری مشتاق‌تر می‌شوند.
۹. کلاس‌های درس یادگیرنده محور سیستم نهادینه‌ای دارند که به لطف آن می‌توانند سبک‌های مختلف یادگیری و چالش‌های خاص را با خود انطباق دهند. کلاس درس یادگیرنده محور برنامه متناسب برای هر یادگیرنده را ارائه می‌دهد لذا نیازهای خاص و یا ناتوانی‌های یادگیری خاص می‌توانند به صورت یکپارچه و مؤثر مورد توجه واقع شوند.
۱۰. تک تک یادگیرندگان در کلاس درس یادگیرنده محور احساس می‌کنند که مهم هستند، زیرا عقاید و نقطه نظرهای آنها بخش جدایی‌ناپذیر تجربیات کلاس آنها است (Pane et all., ۲۰۱۵).

مزایای استفاده از مدل آموزشی یادگیرنده محور

به‌طور کلی نتایج استفاده از مدل آموزشی یادگیرنده محور نشان می‌دهد که این مدل توانسته است مزایای بسیاری برای یادگیرندگان و حتی آموزگاران نیز دارد. این مدل در سال‌های استفاده و تدریس خود، مزایایی را به همراه داشته است. مزایایی که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد (Huang et all., ۲۰۱۲):



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- تناسب محتوای آموزشی با علایق یادگیرندگان
- ایجاد فرصت برای پیدا کردن مهارت‌های فردی توسط خود یادگیرنده
- یاد گرفتن استراتژی‌های یادگیری توسط یادگیرندگان
- یاد گرفتن خود کنترلی و نظارت بر خود یادگیرندگان
- نظارت بر پیشرفت تحصیلی و رشد توسط خود یادگیرنده
- رشد پیشرفت تحصیلی و بهبود وضعیت یادگیرندگان
- بهبود مهارت‌های ارتباطی و همکاری یادگیرندگان
- پیشرفت در توانایی تفکر و کار مستقل یادگیرندگان
- افزایش علاقه یادگیرندگان به فعالیت‌های مدرسه و به‌طور کلی آموزش
- ایجاد روابط قوی بین یادگیرندگان و آموزگاران از طریق تجربیات مشترک
- تناسب محتوای آموزشی با علایق یادگیرندگان
- استفاده از مدل آموزشی یادگیرنده محور نشان می‌دهد که این مدل توانسته است مزایای بسیاری برای یادگیرندگان و حتی آموزگاران نیز دارد

چالش‌های احتمالی مدل آموزشی یادگیرنده محور

مانند هر مدل و روش آموزشی دیگری، برخی از اشکالات احتمالی در مدل آموزشی یادگیرنده محور نیز وجود دارد. البته خوشبختانه راه‌هایی برای کاهش این معایب یا استفاده از آن‌ها برای ایجاد محیط‌های آموزشی سالم‌تر وجود دارد. یکی از نگرانی‌های رایج در استفاده از مدل آموزشی یادگیرنده محور این است که این مدل باعث افزایش سروصدای یادگیرندگان و هرج و مرج در فضاهای یادگیری مدارس می‌شود. این نگرانی کاملاً منطقی است. یک محیط یادگیری یادگیرنده محور ممکن است بی‌نظم‌تر از محیط‌های آموزگار محور به نظر برسد (Pane et al., ۲۰۱۵).

با این حال، در نظر گرفتن توافقات مفید بین آموزگاران و یادگیرندگان، برای از بین بردن این چالش می‌تواند راه‌گشا باشد. هنگامی که آموزگاران برای اولین بار با یک مدرسه مبتنی بر مدل آموزشی یادگیرنده محور روبه‌رو می‌شوند، اغلب از هرج و مرج محیط‌های یادگیری یادگیرنده محور تعجب می‌کنند. با این حال، در این مدل یادگیرندگان درگیر در فعالیت‌های یادگیری انتخابی خود غوطه‌ور هستند. با پذیرش مقدار مشخصی از آشفتگی و سروصدا، مدارس یادگیرنده محور ممکن است دریابند که شرایط مناسبی را برای یادگیرندگان متعهد و مشتاق ایجاد کرده‌اند. البته به‌طور کلی این فضا و این مدارس، نیاز به مدیریت بهتر و بیشتری دارند. نیازی که سبب می‌شود تا مدیریت کلاس و هنجارها را به یادگیرندگان تذکر داده و مسئولیت مدیریت پروژه‌ها و فعالیت‌های درون کلاس را بر عهده خود یادگیرندگان قرار دهند (نادری و همکاران، ۱۳۹۹).

نکته چالش برانگیز دیگر در این مدل این است که برخی یادگیرندگان از نظر دانش و درک از دیگران عقب می‌مانند. با این حال، این توزیع نابرابر دانش نگرانی در این مدل ایجاد نمی‌کند. مدارس سنتی نیز هر روز با همین مشکل روبرو می‌شوند. با این حال، مدارس یادگیرنده محور ممکن است مکانیسم موفقی برای دور زدن آن داشته باشند. چالش دیگر در این مدل، می‌تواند عدم همکاری برخی یادگیرندگان باشد. در واقع ممکن است برخی از یادگیرندگان سخت‌تر از بقیه در این مدل عمل کنند. برای کمک به کاهش این مشکلات، مدارس می‌توانند راهکارهایی انعطاف پذیر را اجرا نمایند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۹).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نقد نظریه آموزش یادگیرنده محور

گرچه دیدگاه‌های نظریه یادگیرنده محور برای بسیاری از آموزشگران، بسیار جذاب و انقلابی به شمار می‌رود اما این دیدگاه نیز از خنجر نقد منتقدین، آسوده نمانده است. بسیاری از نظریه پردازانی که معتقد به دیدگاه بنیادی نسبت به علم هستند و اصالت علم را باور دارند، نمی‌توانند با این جنبه از نظریه یادگیرنده‌محور که علم را برداشتی شخصی از واقعیت اطراف می‌داند، کنار بیایند. این منتقدین معتقدند که علم، صرف‌نظر از افراد، وجودی مستقل و مجرد دارد و گرچه ممکن است برداشت هر فردی از آن متفاوت باشد اما این به معنای زیر سؤال بردن و شک کردن در موجودیت مستقل واقعیت و علم نیست.

از طرف دیگر، بخش مهمی از انتقادات بر نظریه شاگردمحور، مبتنی بر آموزش آزاد و برنامه درسی اختصاصی این نظریه است. همان‌طور که اشاره کردیم در این دیدگاه، هر فرد می‌تواند برنامه درسی مستقلی به فراخور نیاز و علاقه‌اش داشته باشد و نباید منعی از این بابت وجود داشته باشد، این مسئله در عمل هزینه‌گزافی را بر نظام آموزشی تحمیل می‌کند چرا که نیاز به افرادی دارد که مرتب برنامه‌های درسی را بر طبق نیازها و علایق یادگیرندگان تنظیم کنند و برای هر مبحث امکانات آموزشی و تسهیل‌گران آموزشی استخدام کنند. شاید بتوان گفت که این دیدگاه بیشتر برای محیط‌های آموزشی کم‌تعداد پاسخگو است تا محیط‌هایی با تعداد بالای شاگردان؛ زیرا نمی‌توان چنین برنامه‌هایی را در ابعاد وسیع برای تعداد زیادی از یادگیرندگان فراهم کرد. واضح است در مدرسی که بیش از ۴۰ نفر یادگیرنده در یک کلاس هستند، حتی اگر آموزگار قائل به فردگرایی و علاقمند به شکوفایی فردی هر یک از یادگیرندگان باشد، قطعاً نه فرصت و نه امکان رسیدگی خاص و منحصر به فرد به هر یک از یادگیرندگان را دارد (Shemshack and Spector, ۲۰۲۰).

از سوی دیگر، ایجاد محیط غنی آموزشی بر طبق نظریات مونته‌سوری، نیاز به دارا بودن انواع وسایل کمک آموزشی دارد که هزینه تحصیل را برای محصلین بسیار بالا می‌برد. مدارس مونته‌سوری یکی از گران‌ترین مدارس در سراسر جهان هستند و تنها عده بسیار کمی از والدین از عهده تأمین مخارج چنین مدرسی برمی‌آیند. اما با وجود تمام نقدها، نمی‌توان نقش مثبت این نظریه را در تغییر دیدگاه نسبت به ماهیت دانش و ماهیت یادگیرنده و روند اکتساب دانش، انکار کرد به یمن ظهور این نظریه، مدارس امروز در جهان بیش از پیش مجهز به آزمایشگاه‌ها، وسایل کمک‌آموزشی، ابزار سمعی و بصری، محیط‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و نیز توجه خاص مربی به شکوفایی فردی یادگیرندگان شده است. صرف‌نظر از تمام انتقادات، مدل مثبت این نظریه نسبت به ماهیت انسان و علاقه ذاتی او به یادگیری، دیدگاه سنتی «چوب آموزگار گل است» و تنبیه کردن برای آموزش بچه‌ها را منسوخ کرده و بالآخر آموزش پیش از دبستان و مقطع ابتدایی را به‌طور کلی متحول نموده است (Chen, ۲۰۰۸).

نحوه ایجاد یک کلاس درس یادگیرنده محور

متأسفانه، ایجاد یک محیط یادگیری یادگیرنده محور همیشه آسان نیست. برای بسیاری، ایجاد یک محیط یادگیری یادگیرنده محور از نظر تئوری عالی به نظر می‌رسد، اما عملی کردن آن داستان متفاوتی است. در زیر برخی از استراتژی‌ها و نکات اثبات‌شده‌ای را ارائه می‌کنیم که می‌تواند محیط یادگیری یادگیرنده محور را در کلاس درس شما به واقعیت تبدیل کند و به موفقیت برساند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۹).

کلاس درس یادگیرنده محور دقیقاً چیست؟ به‌طور خلاصه، کلاس درس یادگیرنده محور یا محیط یادگیری یادگیرنده محور، جایی است که تمرکز آموزش از آموزگار به یادگیرنده منتقل می‌شود. هدف نهایی این روش، پرورش یادگیرندگان مستقل است و این هدف با قرار دادن مسئولیت یادگیری در دست یادگیرندگان حاصل می‌شود. بسیاری از طرفداران یادگیری یادگیرنده محور استدلال می‌کنند که این یکی از موثرترین راه‌ها برای کمک به یادگیرندگان برای توسعه مهارت‌های مورد نیاز خود برای حل مسئله و یادگیری مادام‌العمر است. در محیط سنتی «یادگیری آموزگار محور»، آموزگار مرکز تجربه یادگیری است و نقش «فعال» تدریس را بر عهده می‌گیرد، در حالی که یادگیرندگان نقش «انفعالی» یا پذیرنده‌تری را به عهده می‌گیرند. در مقابل،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در محیط یادگیری یادگیرنده محور، علایق یادگیرندگان در کانون توجه قرار می‌گیرد و آموزگار به یادگیرندگان حق انتخاب و حرف زدن می‌دهد. در کلاس درس یادگیرنده محور، یادگیرندگان نقش «فعال» تری در تجربه آموزش ایفا می‌کنند (نادری و همکاران، ۱۳۹۹).

تبدیل کلاس درس به یک جامعه

در یک کلاس درس سنتی، آموزگار صحبت می‌کند و یادگیرندگان گوش می‌دهند. در یک کلاس درس یادگیرنده محور، یادگیرندگان صحبت می‌کنند، آموزگار گوش می‌دهد، مداخله می‌کند، در صورت نیاز گفت‌وگو را تسهیل می‌کند و سپس از مشارکت یادگیرندگان تشکر می‌کند. با مشارکت مستقیم یادگیرندگان در فرآیند آموزش و با توانمند ساختن آن‌ها برای تعامل با یکدیگر، یادگیرندگان احساس می‌کنند که در یک اجتماع هستند. مهم‌تر از آن، به آن‌ها نشان داده می‌شود که آنچه احساس می‌کنند، آنچه برایش ارزش قائل هستند و آنچه به آن فکر می‌کنند، بیشترین اهمیت را دارد. در کلاس درس یادگیرنده محور، آموزگار نه به عنوان آموزش‌دهنده، بلکه به عنوان تسهیل‌کننده و فعال‌کننده عمل می‌کند (Chen, ۲۰۰۸).

افزایش اعتماد و ارتباط

یک کلاس درس یا محیط آموزشی یادگیرنده محور بدون اعتماد و ارتباطات باز، نمی‌تواند وجود داشته باشد. اعتماد و ارتباط آزاد با همیشه منصف بودن با یادگیرندگان، گوش دادن به آن‌ها و اجازه دادن به آن‌ها برای صحبت، به دست می‌آید. اگر بلافاصله در ابتدای سال شروع به کار کنید، ایجاد یک کلاس درس یادگیرنده محور بسیار آسان‌تر است. در آغاز هر سال تحصیلی جدید، از یادگیرندگان خود بپرسید که دوست دارند کلاس درسشان در طول سال چگونه باشد و چه عملکردی داشته باشد؟ از آن‌ها بپرسید آیا قوانینی وجود دارد که برای اطمینان از اینکه تجربه کلاس انتظارات آن‌ها را برآورده کند، وضع شوند؟ به یادگیرندگان ۱۵ دقیقه فرصت دهید تا بین خود بحث کنند و سپس پیشنهادات خود را روی تخته بنویسند. از قوانینی که یادگیرندگان مطرح خواهند کرد، تعجب می‌کنید. همانطور که تخته با ایده‌ها و پیشنهادات آن‌ها پر می‌شود، متوجه خواهید شد که برخی از موضوعات مشترک ظاهر می‌شوند - یادگیرندگان شما می‌خواهند شنیده شوند، دیده شوند، به آن‌ها ارزش داده شود و مورد احترام قرار بگیرند (Pane et al., ۲۰۱۵).

استفاده از فناوری

ایجاد یک کلاس درس با محوریت یادگیرنده تماماً متکی به مشارکت است. هرچه بهتر بتوانید یادگیرندگان را در هر فعالیت یا پروژه‌ای درگیر کنید، آن‌ها در فرآیند یادگیری مشارکت بیشتری خواهند داشت. در دنیای امروز، فناوری یکی از موثرترین ابزار برای جذب یادگیرندگان است. فناوری آینده نیست، حال است. همه کارهایی که بچه‌ها این روزها انجام می‌دهند، حول محور فناوری می‌چرخد، به‌ویژه فناوری تلفن‌های هوشمند. به یادگیرندگان اجازه بدهید و از آن‌ها دعوت کنید تا از ابزار وب رایگان برای ارائه، سرپرستی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات استفاده کنند. وقتی به یادگیرندگان این فرصت داده می‌شود که ابزارهای وب و فناوری موجود را در فرآیند یادگیری ادغام کنند، آن‌ها شرکت‌کنندگانی مشتاق برای انجام فعالیت‌های آموزشی می‌شوند (Powell et al., ۲۰۰۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات انجام شده، مشخص است که مدل‌های تدریس یادگیرنده محور تأثیر قابل توجهی در فرایند یادگیری دارند. این مدلها با استفاده از روش‌های فعال، تعاملی و مبتنی بر نیازها و خصوصیات یادگیرندگان، محیطی مناسب برای یادگیری فراهم می‌کنند. بنابراین، توجه به این مدلها و پیاده‌سازی آنها در محیط آموزشی می‌تواند بهبود قابل توجهی در فرایند یادگیری یادگیرندگان و ارتقای کیفیت آموزش داشته باشد. مدل یادگیرنده محور به طیف گسترده‌ای از برنامه‌های آموزشی، تجربیات یادگیری، مدل‌های آموزشی و استراتژی‌های حمایتی اشاره دارد. یادگیری یادگیرنده محور به یادگیرندگان این فرصت را می‌دهد که در مورد دو چیز تصمیم بگیرند: چه مطالبی را یاد می‌گیرند و چگونه آن را یاد می‌گیرند. این مفهوم گاهی اوقات به عنوان یادگیری شخصی نیز شناخته می‌شود. برخلاف مدل‌های آموزگار محور، این مدل یادگیرندگان را به عنوان رهبر و تصمیم‌گیرنده در یادگیری خود درگیر می‌کند.

آموزش یادگیرنده محور به یادگیرندگان اجازه می‌دهد در مقابل دریافت غیرفعال اطلاعات، دانش ایجاد کنند و یادگیری عمیق را تشویق می‌کند. مدل یادگیرنده محور در درجه اول بر آنچه یادگیرنده برای یادگیری باید انجام دهد تمرکز می‌کند نه بر محتوای دوره یا انتقال اطلاعات توسط آموزگار. در کلاس یادگیرنده محور، فراگیران در آموزش خود انتخاب دارند، مسئولیت یادگیری خود را بر عهده دارند، دستاوردهای خود را می‌سنجند و در کلاس قدرت دارند. روش‌های تدریس یادگیرنده محور تمرکز فعالیت را از آموزگار به یادگیرندگان تغییر می‌دهد. این روش‌ها شامل یادگیری فعال هستند که در آن یادگیرندگان مسائل را حل می‌کنند، به سؤالات پاسخ می‌دهند، سؤالات خود را تنظیم می‌کنند، بحث می‌کنند، توضیح می‌دهند، مناظره می‌کنند یا در طول کلاس طوفان فکری می‌کنند. این روش‌ها به همه یادگیرندگان فرصت یکسانی برای دسترسی و مشارکت در تمام بخش‌های آموزش می‌دهد. فعالیت‌ها را مطابق با نیازهای منحصر به فرد یادگیرندگان تنظیم و اجرا می‌کند.



منابع

۱. نادری، فاطمه، آیتی، محسن، خامسان، احمد. (۱۳۹۹). نقش صلاحیت و اخلاق حرفه‌ای در نگرش آموزگاران مقطع ابتدایی به شخصی‌سازی یادگیری. اخلاق زیستی، ۱۰(۳۵)، ۱-۱۱.
۲. نیلی احمدآبادی، محمدرضا، تقی‌پاره، فتانه، علی‌آبادی، خدیجه، پورروستایی اردکانی، سعید. (۱۳۹۹). اثربخشی روش یادگیری شخصی‌سازی شده مبتنی بر سبک‌های شناختی بر سواد رسانه‌ای پژوهش‌های ارتباطی، ۲۷(۱۰۲)، ۱۷۱-۱۸۹.
۳. Chen, C. M. (۲۰۰۸). Intelligent web-based learning system with personalized learning path guidance. Computers & Education, ۵۱(۲), ۷۸۷-۸۱۴.
۴. Powell, S., Tindal, I., & Millwood, R. (۲۰۰۸). Personalized learning and the Ultraversity experience. Interactive Learning Environments, ۱۶(۱), ۶۳-۸۱.
۵. Huang, Y. M., Liang, T. H., Su, Y. N., & Chen, N. S. (۲۰۱۲). Empowering personalized learning with an interactive e-book learning system for elementary school students. Educational Technology Research and Development, ۶۰(۴), ۷۰۳-۷۲۲.
۶. Pane, J. F., Steiner, E. D., Baird, M. D., & Hamilton, L. S. (۲۰۱۵). Continued Progress: Promising Evidence on Personalized Learning. Rand Corporation.
۷. Zhang, L., Basham, J. D., & Yang, S. (۲۰۲۰). Understanding the implementation of personalized learning: A research synthesis. Educational Research Review, ۳۱, ۱۰۰۳۳۹.
۸. Grant, P., & Basye, D. (۲۰۱۴). Personalized learning: A guide for engaging students with technology. International Society for Technology in Education.
۹. Martinez, M. (۲۰۰۱). Key design considerations for personalized learning on the web. Journal of Educational Technology & Society, ۴(۱), ۲۶-۴۰.
۱۰. Shemshack, A., & Spector, J. M. (۲۰۲۰). A systematic literature review of personalized learning terms. Smart Learning Environments, ۷(۱), ۱-۲۰.